

دختر بچه ۱۰ ساله قربانی کتک والدین شد

با تلاش کارآگاهان پلیس، جسد دختر بچه ۱۰ ساله‌ای که خانواده‌اش اعلام مفقودی کرده بودند، کشف و عامل مرگ وی دستگیر شد. چندی پیش زنی به کلانتری آپیکش از توابع شهرستان دشتستان مراجعه و از مفقودی دختر بچه ۱۰ ساله‌اش خبر داد. با تشکیل پرونده و بررسی‌های اولیه پلیسی و به دست آمدن مستندات لازم، پرونده به بخش جنایی پلیس آگاهی دشتستان ارسال شد. با پیشرفت تحقیقات مشخص شد ضرب و شتم یکی از والدین منجر به مرگ دختر بچه شده که پس از مرگ جسد را در بیابان‌های اطراف آپیکش دفن کرده‌اند. با کمک عوامل پلیس، جسد کشف و در اختیار پزشکی قانونی قرار گرفت.

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

ذره بین

شای مرگ در ساحل چاف و چمخاله

شهروند | ۳ نوجوان روز پنجشنبه در سواحل چاف و چمخاله لنگرود غرق شدند. یک نوجوان ۱۶ ساله اهل املش، یک نوجوان ۱۷ ساله اهل روستای سالکوبه و یک نوجوان ۱۷ ساله دیگر اهل املش در منطقه شنا ممنوع در محدوده چمخاله لنگرود غرق شدند. این نوجوانان به دلیل آشنابودن با فن شنا و طوفانی بودن دریای خزر به کام مرگ رفتند. مهدی ولی پور مدیر عامل جمعیت هلال احمر گیلان درباره جزئیات این حادثه گفت: حوالی ساعت چهار صبح پنجشنبه در منطقه‌ای از ساحل چاف و چمخاله شهرستان لنگرود سه نوجوان بومی به علت بی احتیاطی هنگام شنا دچار حادثه شده و غرق شدند. پس از وقوع این حادثه که اوایل صبح در سواحل چاف و چمخاله شهرستان لنگرود به وقوع پیوست، نیروهای جمعیت هلال احمر پس از دریافت گزارش حادثه به سرعت به محل مورد نظر اعزام شدند. ولی پور با بیان این که این سه نوجوان به همراه خانواده خود در محل حضور داشتند، افزود: جسد یکی از این سه نفر با تلاش نیروهای جمعیت هلال احمر از دریا به ساحل منتقل شد اما از سر نوشت دو نوجوان دیگر این حادثه اطلاعی در دست نبود. وی از ادامه عملیات جست و جو توسط نیروهای جمعیت هلال احمر خبر داد و بیان داشت: نیروهای امداد نجات جمعیت هلال احمر در منطقه حضور داشتند و عملیات جست و جوی پیکر دو نوجوان دیگر توسط آنها ادامه داشت تا این که اجساد دو نوجوان ۱۷ ساله دیگر نیز شامگاه پنجشنبه پس از ساعت‌ها جست و جو با کمک امدادگران جمعیت هلال احمر و سایر نیروهای کمکی پیدا شد. برای یافتن جسد این جوان نیروهای اورژانس، نجات غریق، فرمانداری و پلیس همکاری داشتند. امداد رسانی به ۲ نفر از خانواده‌های این غرق شدگان به دلیل ناراحتی نفسی از سوی امدادگران جمعیت هلال احمر استان گیلان انجام گرفت. مدیر عامل هلال احمر گیلان در مورد این که چرا این افراد در آن ساعت از روز اقدام به شنا کرده‌اند، خاطر نشان کرد: اقدام خطرناک این افراد با وجود این که با خانواده خود نیز در منطقه حضور داشتند، مسأله‌ای است که هنوز برای ما بدون پاسخ مانده است. ولی پور در پاسخ به این سؤال که آیا این اتفاق در داخل طرح‌های سالم‌سازی رخ داده یا خیر، گفت: اصولاً در آن ساعت از روز طرح‌های سالم‌سازی هنوز فعالیت روزانه خود را آغاز نکرده‌اند و این افراد بدون در نظر گرفتن ایمنی لازم به این عمل خطرناک دست زدند.

سعید با فریبکاری قربانیان‌اش را مورد ضرب و شتم، تجاوز و اخاذی قرار می‌داد

کشف راز تجاوزهای سریالی خواننده پاپ

است. من هم به واسطه اعتمادی که به سعید پیدا کرده بودم، پول مورد درخواست را به حسابش واريز کردم. نهایتاً به پیشنهاد او برای ملاقات با اعضای خانواده و همچنین آشنایی بیشتر با یکدیگر برای ازدواج به خانه سعید در دربند دعوت شدم. به دلیل اعتمادی که به سعید داشتم، برای دیدن او و خانواده‌اش به خانه‌اش رفتم. در ابتدا همه چیز آرام و محترمانه بود، اما کمی بعد متوجه قصد و نیت واقعی سعید از این دعوت شدم و زمانی که در برابرش مقاومت کردم ناگهان به سمت من حمله‌ور شد و با ضرب و شتم مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. سعید مدعی شده بود که از من فیلم و عکس گرفته و باید به او پول بدهم، در غیر این صورت فیلم و تصویر مرا در فضای مجازی پخش خواهد کرد. من هم به ناچار و از ترس آبروی خود مبالغ مورد درخواست سعید را پرداخت می‌کردم تا اینکه با اطلاع از دستگیری سعید تصمیم به شکایت گرفتم.

سرهنگ علی ولی پور گوذرزی، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اشاره به رسیدگی ویژه به این نوع از جرایم در معاونت مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی در این باره گفت: «متهم با قرار قانونی و برای ادامه تحقیقات در اختیار اداره شازندم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دارد. شکات اطمینان داشته باشند که همه اظهارات و هویت آنها نزد پلیس و مقام قضائی کاملاً محرمانه است، بنابراین از شکات احتمالی دعوت می‌شود تا برای طرح و پیگیری شکایت خود به اداره شازندم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.»

آبرو تاکنون شکایتی نکرده‌اند.» با اعلام این شکایت، با توجه به حساسیت موضوع کار آگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران، رسیدگی به این پرونده را در دستور کار خود قرار دادند و تجسس‌های خود در رابطه با دستگیری متهم را آغاز کردند. در ادامه با شناسایی هویت دقیق سعید متولد ۱۳۴۸، کارآگاهان اداره شازندم پلیس آگاهی تهران بزرگ با مراجعه به محل سکونت زندگی مجردی وی در طبقه سوم یک مجتمع مسکونی در منطقه دربند، روز ۲۳ تیرماه اقدام به دستگیری و انتقال متهم به اداره شازندم پلیس آگاهی تهران بزرگ کردند. سعید در اظهارات اولیه منکر هر گونه آزار و اذیت جنسی شاکي شد، اما در ادامه تحقیقات در نهایت به آزار و اذیت شاکيان پرونده‌اش اعتراف کرد. با دستگیری متهم، تعدادی دیگر از دختران جوان به اداره شازندم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه و در اظهاراتی کاملاً مشابه عنوان کردند که توسط سعید مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.

کار آگاهان به تحقیق درباره شاکيان دیگر این پرونده که تعدادشان به چهار نفر رسیده بود، پرداختند که یکی از آنها در توضیحات خود به کار آگاهان گفت: «من از طریق فضای مجازی با سعید آشنا شدم. او به من وعده ازدواج داد و در ادامه، به بهانه تهیه هزینه مالی آلبوم موسیقی از من درخواست مبلغی پول کرد. سعید خودش را به عنوان آهنگساز و خواننده معرفی کرد و یک بیوگرافی جعلی نیز در سایت «ویکی‌صدا» برای خودش ساخته بود و آن را برای من فرستاد تا به من ثابت کند که خواننده

و سرشناس نیز دعوت شده و در ادامه برای من بارها پیامک‌هایی ارسال می‌شد با این مضمون که سعید برنامه اجرای کنسرت دارد. ارتباط ما بیشتر شد و تقریباً هر روز با هم صحبت می‌کردیم تا اینکه به بهانه ازدواج و علاقه بیش از حد به من، خواست تا همدیگر را ملاقات کنیم. زمانی که به اصرار سعید با هم قرار ملاقات گذاشتیم، او به این بهانه که فردی معروف است و نمی‌تواند در انظار عمومی با یک دختر ظاهر شود و حتی ممکن است ممنوع‌الفعالیت شود، مرا ارضی کرد تا به خانه شخصی‌اش در منطقه دربند بروم. حتی وعده داد که در این ملاقات مرا به تعدادی از هنرمندان برای تهیه شغلی مناسب در دنیای هنر معرفی خواهد کرد. در حالی که پشتد به او اعتماد پیدا کرده بودم، روز ۲۶ خردادماه، سعید برای من یک خودرو در دست فرستاد و من به خانه او در منطقه دربند رفتم. در ابتدای ورود به خانه، سعید فردی بسیار محترم به نظر می‌رسید. پس از صحبت‌های اولیه، سعید تعدادی از آثار هنری خودش را برای من گذاشته بود که ناگهان به سمت من آمد. آن زمان بود که متوجه قصد و نیت واقعی او شدم. بشدت اعتراض و حتی در مقابل او مقاومت کردم و می‌خواستم فرار کنم، اما ناگهان حمله‌ور شد.»

شاکي پرونده درباره اخاذی صورت گرفته توسط سعید نیز به کار آگاهان گفت: «سعید مدعی شده بود که از من فیلم و عکس تهیه کرده و اگر به او پول پرداخت نکنم آبروی مرا خواهد برد. من هم به ناچار در چند نوبت به او چندین میلیون تومان پرداخت کردم تا اینکه متوجه شدم گویا دخترهای دیگری نیز هستند که دقیقاً اتفاقی مشابه من برای آنها نیز افتاده و از ترس

شهروند | قربانیانش را از فضای مجازی انتخاب می‌کرد. باز هم خواستگاری و ازدواج اصلی‌ترین ترفند برای فریب دختران بود. خواننده پاپی که راز تجاوزهای سریالی‌اش با شکایت چند قربانی پرونده‌اش فاش شد. پسر جوانی که با فریب زنان و دختران در فضای مجازی آنها را به خانه خود می‌کشاند و پس از تجاوز و تهیه فیلم سیاه، دست به اخاذی می‌زد. این پسر جوان که چند آلبوم نیز وارد بازار کرده است، اکنون در حالی سعی می‌کند جرمش را انکار کند که تعداد شاکيانش رو به افزایش است؛ خواننده‌ای که یک صفحه و بیوگرافی جعلی نیز در سایت ویکی‌صدا برای خود تهیه کرده بود و با این صفحه قربانیانش را فریب می‌داد. پرونده او حالا در پلیس آگاهی پایتخت تحت بررسی است.

این پرونده جنجالی با شکایت نخستین شاکي پیش روی پلیس قرار گرفت. شاکي زنی جوان بود که راز تجاوزهای سریالی خواننده پاپ را فاش کرد. وی درباره جزئیات ماجرا به پلیس گفت: «در شبکه اجتماعی اسکوت (SCOOL) با پسر جوانی به نام سعید آشنا شدم. او ادعا کرد که خواننده‌ای سرشناس است و در زمینه آهنگسازی نیز فعالیت زیادی دارد. او همچنین مدعی شد که آثار هنری‌اش در سایت‌های مختلف وجود دارد. من و سعید با هم صحبت می‌کردیم و در این بین نیز او فیلم‌ها و عکس‌هایی که با برخی از بازیگران و خوانندگان سرشناس گرفته بود را برایم فرستاد و مدعی شد که به من علاقه‌مند شده و قصد دارد با من ازدواج کند. سعید حتی به من گفت که به برنامه تلویزیونی با مجری‌گری یکی از بازیگران مطرح

سقوط دختر ۱۳ ساله از طبقه چهارم



دختر ۱۳ ساله‌ای در حادثه سقوط از طبقه چهارم یک ساختمان مسکونی به طرز ناباورانه‌ای از این حادثه جان سالم به‌در برد. وقوع این حادثه ساعت ۲۰:۰۹ روز پنجشنبه طی تماس تلفنی شهروندان با سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد که ستاد فرماندهی سازمان آتش نشانی تهران بی‌درنگ نیروهای عملیات ایستگاه ۹۵ را به محل حادثه واقع در نازی آباد، خیابان شیرمحمدی رهسپار کرد. بررسی‌ها نشان می‌داد یک دختر ۱۳ ساله به علت نامعلومی از تراس طبقه چهارم ساختمان مسکونی ۴ طبقه‌ای به داخل حیاط منزل سقوط کرد ولی از این اتفاق به طرز عجیبی جان سالم به‌در برد. این دختر از ناحیه سر، دست و پا دچار شکستگی و مصدومیت شده بود که آتش‌نشانان پس از حضور در محل و درخواست یک دستگاه اورژانس جهت انتقال مصدوم به بیمارستان، محل را ایمن کرده و همچنین فرد مصدوم را برای انتقال به آمبولانس اورژانس آماده کردند.

وقتی که دیگر دیر است

بخارا ای | مدیر گروه مسائل آسیب‌های اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران | این حادثه از دو منظر قابل تحلیل و بررسی است. نخست بعد حقوقی حوادثی است که جای تأمل و بررسی دارد؛ تجاوز به عنف عنوان مجرمانه‌ای است که عموماً برای این قبیل حوادث استفاده می‌شود، اما در مراحل رسیدگی و به خصوص در دادگاه مشخص می‌شود که تجاوز به عنفی صورت نگرفته و طرفین با میل و رضایت شخصی با هم در ارتباط بوده‌اند. دلیل این امر هم پیچیده بودن و ابهامات قانونی در این حوزه است. معمولاً قضات هم در این گونه پرونده‌ها بر اساس علم شخصی و استنباط احکامی را صادر می‌کنند. ابهامات در عنوان مجرمان تجاوز به عنف به حدی است که امکان دارد دو قاضی برای یک پرونده مشخص دو حکم متفاوت صادر کنند. همین مسأله باعث می‌شود که زن‌ها در چنین شرایطی نتوانند از حق و حقوق خود به خوبی دفاع کنند. اما بعد دیگر موضوع اعتماد به متهم یا عامل این حادثه است. به هر حال همه افراد به دنبال گروه‌های مرجع هستند. قربانیان این حادثه از این امر مستثنی نیستند. موسیقی آن هم از نوع تلفیقی، شعر، ادعای دولتی بودن، ممنوع‌الزور بودن، به کشور، ادعای کار کردن نزد استبد بر جسته موسیقی یونان و مواردی از این دست جذابیت‌های زیادی به دنبال دارد. همه این موارد برای یک دختر شهری که به دنبال شنیده شدن صدا، چهره و فرصت‌های بهتر برای ادامه زندگی است، باعث می‌شود تا فرآیند اعتمادسازی شکل بگیرد. جوانان ما به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دچار گسست هستند. بین جوان ما بارسانه‌های رسمی، صداوسیما، گروه‌های مرجع شناخته شده گسل‌های عمیقی وجود دارد. از سوی دیگر دختر جوان ما توان استدلال و موشکافی دقیق را ندارد؛ یعنی ما چنین توانایی‌هایی را در او پرورش ندادیم. وقتی همه این شرایط را کنار هم قرار می‌دهیم، چه انتظاری غیر از این می‌توان داشت. طبیعی است که در این شرایط فضایی مبتنی بر عاطفه و احساس شکل می‌گیرد و در نهایت هم این افراد وقتی متوجه اصل ماجرا می‌شوند که دیگر دیر شده است.

عکس: صفحه جمل شهردار، ویکی‌صدا

منبع: ویکی‌صدا